



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۶ مارچ ۲۰۲۲

حمید انوری

به بهانه "بازگشائی مکاتب دخترانه"

این بار هم فرد معلوم الحالی بنام "صمد ازهر" یا همانا صمد "زهر"، است که باز هم بهانه جوئی میکند تا باز هم مشغول زهر پاشی های متواتر در بین مردم افغانستان گردد. او اینبار مسدود شدن دوباره مکاتب دختران را بهانه قرار می دهد، تا به نحو دیگری زهر هلاهل خود بین خلق الله بریزد. او مینویسد: "... (خیلی عجیب است کشوری که مهد زایش، پرورش، تمویل، برنامه ریزی و سکان داری عملیاتی تروریزم در سراسر گیتی بوده مسبب بنیادی تولید هراس و بیم از هر مسلمان است، اکت مظلومیت می کند و با کشاندن تدویر این کنفرانس در پایتختش در پی سپید کردن چهره ی سیاهش در انظار جهان می باشد). منظور صمدک، همانا کشور پاکستان است که صمد زهر (ونه ازهر) داغ ها و درد های علاج ناپذیر از آن کشور دارد که هرگز تا دم مرگش التیام یافتنی نیست که نیست. در این هیچ جای شک نیست که کشور پاکستان یکی از کشور های تروریست پرور است، اما یگانه کشور و مهد پرورش آن و...، نتواند بود، اما با درد و دریغ که همین "صمد زهر"، دیده به دانسته رول بزرگ کشور رو سیه را در زمینه کاملاً نادیده میگیرد. در حقیقت تروریسم و تروریست پروری و...، درست زمانی در کشور ما و منطقه به وجود آمد که تروریست های خلقی و پرچمی به دستور و کمک مستقیم ارباب روسی شان، دست به کودتای منحوس، نامیمون و خونین و ننگین هفتم ثور در سال ۱۳۵۷ زدند و بعد هم همان کودتای منحوس، تجاوز وحشیانه رو سیه شوروی وقت را به دنبال داشت که باعث رونق تروریسم دولتی در افغانستان و منطقه گردید. همین حالا باز هم این تروریست های روسی اند که در کشور مستقل اوکراین، تروریزم دولتی را صادر کرده و مشغول کشتار آدمیان اند و کشوری را با خاک و خون برابر کرده اند و ماشین ترور شان دمی هم متوقف نمی شود. آخر تروریزم که شاخ و دم ندارد و مختص به پاکستان و ایران و افغانستان و منطقه نمی شود، بلکه ریشه های تروریزم و تروریزم پروری از رو سیه و امریکا و متفقین و

متحدین شان آب می خورد، اما کجاست دیده بینا و وجدان بیدار، بخصوص از افراد و اشخاصی چون "صمد زهر".

نوکر منشی و جیره خواری هم حد و مرزی خواهد داشت که این شرف باخته وجدان مُرده، کوچکترین حد و مرزی را نمی شناسد و مانند اسپ گادی فقط مقابل خود را دیده و جفنگ سرائی می کند.

بازگشائی مکاتب دخترانه، یک خبرخوش در قعر همه بدبختی ها، نا ملایمات، خبر ها و گزارشات ناراحت کننده و عالمی از ناامیدی ها، به منزله پاشیدن آب سرد به دهان یک تشنه در حال هلاکت بود. زنان و دختران افغان در اوضاع و احوال کنونی، بیشتر از نصف نفوس افغانستان را تشکیل میدهند که در باز سازی کشور و نیز فامیل ها و خانواده ها، نقش اساسی و سرنوشت ساز را دارند و مردم دربند کشیده شده افغانستان جنگ زده و ویران، بخواهی یا نخواهی، به دستان معجزه گر و انسان ساز زنان کشور، سخت احتیاج دارند و همه خوب میدانیم که "مردان" یا همانا بهتر گفته شود طبقه ذکور، به تنهایی قادر به آن نیستند تا کشتی شکسته افغانستان را به ساحل مراد رسانند.

و اما می بینیم که یک تعداد انگشت شمار زیر دار گریختگی های خلقی- پرچمی را شمشیر زنگ زده شان دسته پیدا میکند که از نیم کشیده و باز هم در کشور جنگ زده ما خون جاری سازند و... این طبقه افراد و اشخاص که سردمدار شان فرد کثیف و شناخته شده بنام "صمد ازهر" است، فقط در جست و جوی یک بهانه اند، تا در لابلای جفنگ های خود، اهداف شوم نوکر منشی شانرا به نمایش بگذارند. این بهانه اکنون به دست این خایان داده شده است که همانا دستور دوباره بستن درب مکاتب دخترانه تواند بود که صمدک "زهر" فوراً شمشیر کهنه و زنگ زده حزبک منفور و مطرود و منحلّه خود از نیام برکشیده و تلاش گلو بُری دارد.

این به منزله آن تواند بود که "آب در گلوی گرم نمی شود" و "بی خریطه فیر میکند". باید چندی انتظار کشید و علت و علل را جست و جو کرد، تحقیق و تتبع کرد، پرسان و جویان نمود و خود را به اصطلاح خرفهم نمود و بعد آمد و قضاوت کرد و گلو پاره کرد. هرچند این داد و فغان های نمایشی پرچمی های زبرد دار گریختگی و نفرین شده، کوچکترین تأثیر بالای مردم مظلوم افغانستان ندارد، چه گفته اند:

" پدر کشتی و تخم کین کاشتی پدر کشته را کی بود آشتی "

این کمترین در حالیکه علت و علل این دستور جدید رهبری طالبان را نمی دانم و مقامات طالبان نیز در مورد روشنی قابل قبولی نینداخته اند، مخالف شدید بستن مکاتب دختران در کشور هستم، اما

انتظار می کشم که فردا و فردا های دیگر، آبتن چه دست آورد ها تواند بود که بعد بتوان بر اساس آن قضاوت نمود.

و اما و مگر یک اصل اساسی را نباید نادیده گرفت و از روی آن سر سری گذشت و آنهم اینکه تجربه به ما آموخته است که در زمان کودتای منحوس هفتم ثور و بعد هم مرحله نوین آن (تجاوز رسوای روس ها به افغانستان)، تمام مکاتب پسران و دختران، به مراکز جلب و جذب حزبی مبدل شده بودند و اکثریت معلمین و متعلمین را مجبور به آن ساخته بودند تا از داخل مکاتب و نیز منازل، روزمره جاسوسی نموده و به ناحیه های حزبی گزارش بدهند. در مکاتب دختران، سردمداران این گونه جلب و جذب های اجباری به حزب د.خ، اناهیتا راتب زاد، جمیله پلوشه، ثریا پرلیکا، کریمه کشتمند و دو سه رسوای دیگر بودند که تمام مکاتب دخترانه در مرکز و ولایات را به گند تبلیغات حزبی، جاسوسی و جلب و جذب حزبی مبدل ساخته بودند و در نتیجه سطح تعلیم و تربیه مکاتب دختران را به صفر رسانیده بودند و مکاتب پسران نیز وضع بهتری از آن نداشتند.

و اما در زمان حکومت های تنظیمی و حاکمیت ربانی- مسعود در کابل، افراد، اشخاص و مسئولین وزارت های معارف و تحصیلات عالی که همه و همه افراد و اشخاص کثیف تنظیمی بودند و به اصطلاح شیرین وطنی ما "الف در جگر شان نبود"، روزمره به مکاتب دختران قدم رنجه فرموده و به بهانه بررسی سویه تحصیلی شاگردان و متعلمین، دخترکان مظلوم افغان را برای خود، قوماندان های خود، فامیل و اقارب و حزبی های خود، زیر نظر میکردند، آدرس، نمبر تلیفون و معلومات شخصی و فامیلی آنها را از مدیریت مکاتب که از گماشتگان بی سواد و کم سواد خود شان بودند، به دست آورده و بعداً فردا یا پس فردای آن، تلیفون های خواستگاری چالان می شد و تحدید و تخویف و تطمیع آغاز می شد و چون کارگر نمی افتاد، گپ به تیر و تفنگ و تلوار می کشید و دخترکان تازه بالغ و خورد سال را به عقد نکاح قوماندان فلان و قوماندان بهمان که سن پدرکلان آنان را داشتند، در می آوردند و هر قوماندان، صاحب چهار، پنج زن نکاحی و سه، چهار زن سیغه ئی و دو یا سه و یا هم چهار زن زوری بودند و وضع و اوضاع و احوال مکاتب دختران بدین منوال بود و...

و در زمان بعد از تجاوز عساکر امریکائی و متحدین، یعنی زمان حاکمیت حامد کرزی و اشرف غنی هم تنها و تنها وزارت معارف بیشتر از ۱۴۰ میلیون دالر اختلاس داشت. به گزارش هیئت حقیقت یاب در ذیل دقت کرده و بعد قضاوت کنید.

{ گزارش هیات حقیقت یاب؛ فساد و اختلاس گسترده در وزارت معارف

افغانستان بین سال های ۹۰ تا ۹۳

گزارش هیات حقیقت یاب نشان می دهد که بین سال های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۳ خورشیدی در وزارت معارف افغانستان، میلیاردها افغانی در پروژه های ساخت و ساز مکاتب، حقوق معلمین خیالی، چاپ کتاب درسی و برخی موارد دیگر اختلاس شده است.

اعضای این هیات حقیقت یاب که از جانب رئیس جمهور اشرف غنی مؤظف به تحقیق شده بودند، گفته اند که نتایج تحقیق خود را به رئیس جمهور سپرده اند؛ اما باگذشت بیش از دو سال، هیچ گام عملی برای رسیدگی به اتهام های موجود در این گزارش، صورت نگرفته است.

در این گزارش، فاروق وردک که در آن زمان وزیر معارف افغانستان بود به همراه شماری دیگر از مقام های وزارت معارف، در سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ خورشیدی، به دست داشتن در این اختلاس های بزرگ متهم دانسته شده اند.

۴۰ هزار و ۸۸۰ معلم خیالی، ۱۰۳۳ مکتب خیالی، ۱۴۰۰ پروژه ای ساختمانی مکتب بدون طی مراحل قانونی تدارکات، بیش تر از ۲۰ میلیون دالر اختلاس در قرارداد های چاپ کتاب های درسی، پرداخت سالانه ۲۴ میلیون دالری معاش های کارمندان قراردادی و مشاوران، ناپدیدشدن ۶۴ کانتینر و ده ها مورد دیگر که شرح آن در پایان ذکر شده است، نشان دهنده ای اختلاس و حیف و میل دارایی عامه به ارزش ملیاردها افغانی در وزارت معارف افغانستان است.

نتایج بررسی های هیات حقیقت یاب نشان می دهد که ریاست های معارف ۲۱ ولایت افغانستان در تبنانی با برخی از مسولان وقت وزارت معارف این کشور، آمار واقعی مکتب های غیرفعال را پنهان کرده و بودجه ای تخصیص یافته ای آن را «حیف و میل» کرده اند. این موضوع در ولایت های ناامن کشور، بیشتر گزارش شده است.

در این گزارش به گونه ای نمونه از صدها مکتب در مناطق دوردست کشور نام برده شده که حتی در یک ونیم دهه ای پسین، هرگز وجود فیزیکی نداشته و شماری از اشخاص واقعی و یا غیر واقعی زیر نام (معلم، سر معلم، ملازم و...) از معاش و امتیاز دوامدار حکومتی بهره برده اند.

در بخشی از گزارش این هیات حقیقت یاب، آمده است "در حالی که هیچ مکتب فعال در ولسوالی معروف ولایت قندهار وجود ندارد، اما تخصیص مالی ۳۳ مکتب خیالی در این ولسوالی به گونه ای دوامدار اجراء شده است".

نه تنها قندهار، بلکه بیشتر از ۴۰ مکتب غیرفعال در ولسوالی شیندند ولایت هرات نیز، گزارش شده است.

به همین گونه در گزارش هیات حقیقت یاب، در ۲۱ ولایت افغانستان یک‌هزار و سی و سه مکتب خیالی به ثبت رسیده است.

در گزارش هیات حقیقت یاب، در ۲۱ ولایت افغانستان یک‌هزار و سی و سه مکتب خیالی به ثبت رسیده است

معلمین خیالی

بربنیاد این گزارش، در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، بیش از ۴۰ هزار معلم خیالی در مکتب های ۲۱ ولایت کشور ثبت شده که این رقم، دست کم ۲۵ درصد مجموع معلمین معارف کشور را نشان می دهد. به این معنی که تنها در یک سال تعلیمی به گونه ای اوسط، نزدیک به سه میلیارد افغانی زیر نام حقوق ماهوار معلمین خیالی از بودجه ای دولتی مصرف شده است.

ولایت های بدخشان، پکتیکا، ارزگان، کندهار، پکتیا، وردک، سمنگان، بلخ، پنجشیر، غزنی، هرات، بامیان، ننگرهار، بغلان، کابل، پروان، لغمان، کنر و کاپیسا به ترتیب در فهرست مناطقی قرار دارند که در آن بیشترین معلمین خیالی وجود داشته است.

به گونه ای مثال در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، تعداد معلمین در تشکیل منظور شده از سوی ریاست معارف ولایت بدخشان، ۱۲۷۷۳ نفر بوده، اما بررسی های هیات حقیقت یاب نشان می دهد که از این میان، تنها ۲۷۷۸ معلم در وظایف شان حاضر بوده و باقی همه آمار خیالی است.

بربنیاد گزارش این هیات، در سال ۱۳۹۴ خورشیدی، بیش از ۴۰ هزار معلم خیالی در مکتب های ۲۱ ولایت کشور ثبت شده است.

اختلاس در قراردادهای چاپ کتاب درسی

گزارش هیات حقیقت یاب از اختلاس ده ها ملیون دالر در چندین قرارداد چاپ کتاب در وزارت معارف نیز پرده برداشته است. بر اساس اسناد و معلومات گردآوری شده از سوی هیات حقیقت یاب، وزارت معارف از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ خورشیدی، ۱۵ قرارداد چاپ کتاب درسی مکتب به ارزش بیش از ۹۲ میلیون دالر را با شرکت های داخلی و خارجی عقد نموده است.

از این میان، هفت قرارداد به ارزش بیش از ۵۴ میلیون دالر، تنها با یک شرکت داخلی عقد شده است.

فساد در پروژه های ساختمانی

بر اساس گزارش هیات حقیقت یاب، پرداخت میلیون‌ها دالر پیش پرداخت برای ساخت و ساز ۱۴۶۹ مکتب و عقد قرارداد این پروژه ها بدون طی مراحل قانونی تدارکاتی و داوطلبی میان شرکت های ساختمانی، از دیگر موارد بزرگ اختلاس در وزارت معارف ذکر شده است.

این گزارش نشان می دهد که دست کم نیمی از این پروژه ها از ده سال به این سو درحالی که قسمتی و یا کُل هزینه پروژه هم پرداخت شده، اما تا هنوز بدون هیچ دلیل قانونی، این پروژه ها نیمه کاره باقی مانده اند.

بیشتر از ۴۰ مکتب غیرفعال در ولسوالی شیندند ولایت هرات گزارش شده است. در بخشی از گزارش این هیات آمده است که در یک سال، ۱۳۳ قرارداد پروژه ای ساخت و ساز مکتب بدون رعایت قانون تدارکات، تنها به یک شرکت ساختمانی اعطا شده است. پیش از این، یک گزارش (SIGAR) بازرس خاص امریکا برای بازسازی افغانستان نیز از نبود شفافیت در حساب دهی برخی از کُمتک های اداره ای توسعه ای بین المللی امریکا (USAID) به وزارت معارف این کشور، ابراز نگرانی کرده و از ناپدید بودن اسناد مصرفی بیش از ۱۴۰ میلیون دالر، پرده برداشته است.

بر بنیاد گزارش این نهاد که در اپریل سال گذشته منتشر شده، از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۴ میلادی، دست کم ۷۶۰ میلیون دالر از سوی امریکا به وزارت معارف افغانستان کُمتک شده، اما از این میان بیش تر از ۱۴۰ میلیون دالر که در بخش های مختلف ساخت و ساز مکتب ها، ارتقای ظرفیت معلمین و چاپ کتاب کُمتک شده، هیچ سندی از چگونگی مصرف این ارقام در دست نیست. وزارت معارف به عنوان یکی از نهاد های کلیدی دولت افغانستان، پس از بخش های امنیتی و زیربنایی، ۱۳ در صد کُل بودجه ای ملی این کشور را به خود اختصاص داده که این رقم، سالانه بیش از ۵۰ میلیارد افغانی بودجه ای عادی و توسعه وی این وزارت را شامل می شود.

پس با این همه مشکلات دست و پا گیر و آنهمه اختلاس های عظیم و مکاتب و معلمین و منسوبین خیالی معارف و نیز آنهمه جرم و جنایات و خطا و خیانت در حکومت های دست نشانده روسی و امریکائی و نیز حکومت های تنظیمی و...، چگونه می شود تمام گندگی های چهل و چند سال پسین را یک شبه حل کرد و دنیا را کُل و گلزار ساخت؟!

"ازهر" ها و اعوان و انصار شان را از چرند نویسی های متواتر فقط و فقط یک هدف است، و آنهم اینکه به نحوی به خورد یک تعداد هموطنان بی غم باش ما بدهند که زمان کودتای ننگین ثور و بعد هم ششم جدی ۱۳۵۸ (اشغال افغانستان توسط عساکر وحشی روسی) و حاکمیت نیم بند ح.د.خ بهترین

دوران بوده است، بی خبر از اینکه آب از سرچشمه خت بوده است و تمام مشکلات بیشتر از چهل سال گذشته افغانستان از بابت کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ و مرحله نوین آن، اشغال افغانستان توسط روسیه شوروی وقت (ششم جدی ۱۳۵۸) بوده است. این مختصر در هیچ صورت دفاع از رژیم طالبی و عملکرد های قرون وسطائی آنان نیست، بلکه یک حقیقت تلخ است که باید پذیرفت. چه باید رد، حق همیشه تلخ است.

گرم است در جهان بازار مکافات عمل

چشم اگر بینا بود، هر روز، روز محشر است